

# بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر سید جواد امام جمعه‌زاده<sup>۱</sup>

زهره مرندي<sup>۲</sup>

## چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به‌شمار می‌رود. یکی از گروه‌های عمده جامعه که شرکت آنان در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، زنان می‌باشند. مشارکت سیاسی دانشجویان دختر که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. هدف از نگارش این مقاله بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان دختر در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. روش تحقیق پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی است. این مطالعه بر روی ۲۸۸ نفر از دختران دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد صورت گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه استفاده شده که اعتبار آن، به روش‌های آماری و پایایی آن، به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده است و داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS ۱۶ و AMOS ۱۸ تحت محیط ویندوز تجزیه و تحلیل شدند. با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های داوطلبانه)، به همراه در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی مشاهده می‌شود که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** انجمن‌های داوطلبانه، شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی

<sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

## مقدمه

به نظر می‌رسد در جهان معاصر توجه زیادی به مشارکت سیاسی می‌شود. تعداد زیادی مطالعات نظری و کیفی در رابطه با مشارکت سیاسی و دموکراسی وجود دارد که قدمت آن حداقل به رساله دوتوکویل درباره دموکراسی در آمریکا، برمی‌گردد. در طول چند دهه گذشته حجم قابل توجهی از دانش تجربی نیز در مورد مشارکت سیاسی پدید آمده است. البته به نظر می‌رسد سهم عمده تحقیقات تجربی در مورد مشارکت سیاسی به سیدنی، وربا و همکاران او برمی‌گردد.

تجزیه و تحلیل ارائه شده در کتاب «صدا و برابری» میزان بی سابقه ای از اطلاعات تجربی در مورد ماهیت مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. وربا و همکاران در این کتاب یک مدل منبع مشارکت سیاسی را که فراتر از مدل های سنتی پایگاه اجتماعی-اقتصادی و انتخاب عقلانی است، بسط دادند. برخلاف نظریه های انتخاب عقلانی، آنها استدلال می‌کنند که تفاوت های قابل توجهی در انواع خاصی از مشارکت بویژه در میان نژادها و طبقات اجتماعی مختلف وجود دارد. آنها دریافتند که منابع تولید شده توسط فعالیت های غیر سیاسی، از جمله ارتباطات و مهارت های سازمانی به دست آمده از طریق شرکت در انجمن های داوطلبانه، برای مشارکت سیاسی مفید هستند.

وربا و همکارانش در این رابطه، تصریح کرده اند که منابع سیاسی مربوطه، که به منظور تسهیل مشارکت سیاسی صورت می‌گیرد در میان طبقات اجتماعی و نژاد / قومیت‌های مختلف ابعاد مختلفی دارد. مهم ترین این منابع زمان، پول و مهارت های مدنی است. در این راستا، مهارت های مدنی به عنوان مهارت های سازمانی و ارتباطی که برای بسیاری از انواع مشارکت سیاسی مفید است، تعریف شده است.

شرکت در انجمن های داوطلبانه غیرسیاسی نقش مهمی در این زمینه دارد. وربا و همکارانش به این نکته اشاره دارند که شرکت در انجمن های داوطلبانه غیرسیاسی به سه روش مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کنند. اولاً، شرکت در انجمن های داوطلبانه غیرسیاسی فرصت هایی را برای مردم به منظور توسعه مهارت های سازمانی و ارتباطی مرتبط سیاسی فراهم می‌کند. دوم اینکه، شرکت در انجمن های غیرسیاسی داوطلبانه مردم را در معرض پیام های سیاسی و بحث های سیاسی که منجر به مشارکت سیاسی می‌شود، می‌گذارد. سوم اینکه، بر طبق نظر وربا و همکارانش انجمن های داوطلبانه غیر سیاسی به عنوان عاملی برای جذب در بسیج سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند (وربا، ۱۹۹۳: ۴۵۷).

بنابراین نقشی که توسط انجمن‌های داوطلبانه غیرسیاسی بازی می‌شود به منظور افشای پیام های سیاسی به مردم و جذب آنها در فعالیت های سیاسی است. مطالعات متعدد در این باره نشان می‌دهد که شبکه های اجتماعی نقش مهمی در تعیین هویت سیاسی افراد برای شرکت در سیاست بازی می‌کند. به عنوان مثال، وربا و همکارانش مشاهده کردند که هنگامی که گرایش به فعالیت های سیاسی از طریق شبکه های بین فردی رخ می‌دهد، اعضای شبکه‌ها بیشتر از دیگران به فعالیت سیاسی علاقه مند بودند، همچنین مطالعات دیگر نشان می‌دهد که شبکه های دوستی گوناگون احتمال مشارکت مردم در یک یا چند فعالیت سیاسی را افزایش می‌دهد (کتلر و برکویتز، ۲۰۰۵: ۱۷۰-۱۵۲).

همانطور که شرکت در انجمن داوطلبانه غیر سیاسی بر مشارکت سیاسی تاثیر می گذارد، تاثیرات ابعاد دیگر سرمایه اجتماعی نیز به همین گونه است. مفهوم سرمایه اجتماعی بر نقش هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه های اجتماعی و تاثیرات این منابع بر بازیگران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره دارد.

اولین بار رابرت پوتنام بود که سرمایه اجتماعی را به تعاملات مدنی و مشارکت سیاسی ارتباط داد. او تصریح کرد که یک رابطه قوی بین وجود انجمن های داوطلبانه و کیفیت زندگی در جوامع وجود دارد. او استدلال کرد شرکت در انجمن های داوطلبانه، منجر به تولید منافع فردی و جمعی می شود. او مدعی شد که این منافع فردی و جمعی نتیجه مستقیم سرمایه اجتماعی است. او سرمایه اجتماعی را به عنوان "شبکه های اجتماعی و هنجارهای روابط متقابل و قابلیت اعتماد" تعریف کرد (پوتنام، ۱۹۹۳: ۱۹). او نشان داد که جوامعی که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی هستند، ساختارهای سیاسی ای موثرتر و نخبگان سیاسی پاسخگوتری دارند. او همچنین نشان داد که ساکنان جوامع با سرمایه اجتماعی بالا در سطوح بالاتری از مشارکت سیاسی عمل می کنند.

در این پژوهش سرمایه اجتماعی به عنوان منابع بوجود آمده از شبکه های اجتماعی که قابل استفاده توسط بازیگران در تعاملات اجتماعی هستند، تعریف شده است. تعاملات اجتماعی به احتمال زیاد هنگامی رخ می دهند که هنجارها و اعتماد اجتماعی تقویت شوند.

### انجمن های داوطلبانه و مشارکت سیاسی

الکسی دو توکویل برای به رسمیت شناختن نقش منحصر به فردی که انجمن های داوطلبانه در تسهیل دموکراسی دارند اعلام می کند:

«شهروند ایالات متحده از مراحل ابتدایی زندگی بر تلاش های خود، به منظور مقاومت در برابر مشکلات زندگی، تکیه می کند: او بر قدرت اجتماعی با چشم بی اعتمادی و اضطراب می نگرد. این عادت ممکن است حتی در مدارس، جایی که در آن کودکان در بازی های خود به تسلیم شدن در برابر قوانینی که خودشان تاسیس کردند، وجود داشته باشد. این روح بر هر عمل زندگی اجتماعی سایه افکنده است. اگر در یک چهارراه و محل گردش وسایل نقلیه مانعی باعث ایجاد ترافیک شود، خود افراد محل بلافاصله یک مجمع مشورتی تشکیل داده و این مجمع به طور فی البداهه یک قوه اجرایی را تشکیل می دهد که مشکلات موجود را تا حد ممکن حل نماید. بنابراین انجمن ها در ایالات متحده به منظور ارتقای امنیت عمومی، تجارت، صنعت، اخلاق، و مذهب تاسیس شده اند (توکویل، ۱۹۶۹: ۳۹).»

ادبیات پژوهشی زیادی در ارتباط میان انجمن های داوطلبانه و دموکراسی در پاسخ به مشاهدات دو توکویل توسعه یافته است. وربا و همکاران او، بر نقش انجمن های داوطلبانه در فراهم کردن منابعی که برای مشارکت سیاسی مفیدند، تاکید کرده اند (وربا، ۱۹۹۳: ۴۵۷).

وربا و همکاران (۱۹۹۳) در مورد سه منبعی که محصول مشارکت در انجمنهای داوطلبانه غیرسیاسی است، بحث کرده- اند: اول، شرکت در انجمن های داوطلبانه غیرسیاسی فرصت هایی را برای مردم به منظور توسعه مهارت های سازمانی و ارتباطات سیاسی، فراهم می کند. دوم، شرکت در انجمن های غیرسیاسی داوطلبانه مردم را در معرض پیام های سیاسی و بحث های سیاسی که منجر به مشارکت سیاسی می شود، می گذارد. سوم، انجمن های داوطلبانه غیر سیاسی به عنوان زمینه ای برای جذب مردم در بسیج سیاسی تلاش می کنند .

به نظر وربا و همکاران، « انجمن های داوطلبانه افراد را وادار می سازد که به تلاش آشکاری برای درگیر کردن افراد در سیاست دست زنند. » آنها به چندین عامل در این زمینه اشاره می کنند؛ اول این که یک بازیگر باید وابسته به یک انجمن غیرسیاسی داوطلبانه و یا عضوی از آن شود. ثانیاً، به نوع ارتباط با افرادی که متعلق به آن انجمن هستند توجه کند. سوم این است که به تنوع در مؤسسات توجه داشته باشد. به عبارت دیگر، به فرصت هایی که برای به دست آوردن منابع مرتبط سیاسی در داخل انجمن های داوطلبانه وجود دارد توجه کند. بنابراین، یک مقام ارشد یا یکی از اعضای هیئت مدیره که با عملیات روزانه انجمن در ارتباط است، بیشتر احتمال دارد که مهارت های مدنی خود را نسبت به کسی که تنها به کمک یک حق عضویت سالانه، عضو است، توسعه دهد (وربا، ۱۹۹۳: ۴۷۲).

شرکت در انجمن های داوطلبانه غیرسیاسی قرار گرفتن در معرض محرک های سیاسی را نیز فراهم می کند (وربا، ۱۹۹۳: ۴۹۷-۴۵۳). افراد از طریق مشارکت در انجمن های داوطلبانه، شبکه های اجتماعی که زمینه ای برای بحث درباره سیاست و یا برای جذب به فعالیتهای سیاسی است را توسعه می دهند. رهبری و یا پرسنل انجمن های داوطلبانه نیز ممکن است درخواست های صریح برای اعضا برای تبدیل شدن به بسیج سیاسی را ایجاد کنند.

مطالعات متعددی که نتیجه گیری وربا در مورد ارتباط میان انجمن های داوطلبانه و مشارکت سیاسی را حمایت می کند، صورت گرفته است. با استفاده از مدل معادله ساختاری، اسمیت نشان می دهد که ارتباطات اولیه گسترده با دیگران، روابط خانوادگی نزدیک، مشارکت مذهبی، و مشارکت در فعالیت های فوق برنامه، از پیش بینی کننده های قابل توجه مشارکت بیشتر سیاسی و مدنی در جوانان هستند (اسمیت، ۱۹۹۹: ۵۸۰-۵۵۳). آیالا نیز استدلال می کند که شرکت در گروه های داوطلبانه بر مشارکت سیاسی تاثیرگذار است. او همچنین متوجه شد که در موارد متعدد فعالیت در سازمان های غیر سیاسی بر مشارکت سیاسی افراد تاثیر گذار است (آیالا، ۲۰۰۰: ۹۹-۱۱۵).

اولزورم استدلال می کند که عضویت سازمانی با ترویج مشارکت سیاسی ارتباط دارد، و علت این امر مربوط به تقویت فرهنگ سیاسی مشارکتی و آگاهانه است (اولزورم، ۲۰۰۲: ۴۹۷-۵۲۳). لروکس نشان می دهد که سازمان های خدمات اجتماعی غیر انتفاعی مناطق شهری به میزان قابل توجهی احتمال رأی دادن را افزایش داده و تماس با مقامات دولتی را تشویق می نماید (لروکس، ۲۰۰۷: ۴۱۰-۴۲۲). شو و والکر با استفاده از مدل معادله ساختاری، تایید کرد که عضویت در انجمن های داوطلبانه غیرسیاسی منجر به افزایش فرصت ها برای بحث در مورد مسائل سیاسی می شود (شو و والکر، ۲۰۰۷: ۷۶۳-۷۷۰).

فونگ، در بررسی ادبیات پژوهشی درباره انجمن های داوطلبانه ، دریافت که انجمن ها با استفاده از شش روش در راستای ارتقاء دموکراسی عمل می کنند : (۱) از طریق تقویت ارزش ذاتی انجمن ها ، (۲) پرورش فضایل مدنی و آموزش مهارت های سیاسی (۳) مقاومت در برابر قدرت و بررسی دقیق تر سیاست های دولت، (۴) بهبود کیفیت و برابری مردم (۵) تسهیل گفتگو و مشورت عمومی، و (۶) ایجاد فرصت ها برای شهروندان و گروه ها برای مشارکت مستقیم در امور حکومتی (فونگ ، ۲۰۰۳: ۵۱۵-۵۳۹) .

### شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی

بسیاری از مطالعات نشان داده اند که شواهد قابل توجهی در ارتباط با رابطه شبکه های اجتماعی با مشارکت سیاسی وجود دارد. وربا و همکاران ( ۱۹۹۵ ) نویسندگان کتاب صدا و برابری نشان می دهند احتمال بیشتری وجود دارد که افراد درون شبکه های اجتماعی به مشارکت سیاسی علاقه مند باشند . آنها گزارش می دهند که روابط شخصی ، دوستانه ، خانواده و آشنایان تا حد زیادی بر مشارکت سیاسی تاثیر می گذارد . بالاترین میزان تاثیر این شبکه ها بر فعالیت های اجتماعی (۶۷٪) ، فعالیت های اعتراضی (۶۸٪) ، و کارهای تبلیغاتی (۵۶٪) بودند.

لوین نشان می دهد که شبکه های اجتماعی، چه قوی و چه ضعیف، دارای اثر مستقیمی بر انتخابات، وابستگی های حزبی و دیدگاهها در مورد مسائل مهم سیاسی و کنترل متغیرهای نگرشی در سطح فردی است (لوین، ۲۰۰۵: ۱۳۲-۱۵۱) .

گست و اوروسپا استدلال می کنند که شبکه دوستی ها به خصوص دوستی های نزدیک، دسترسی افراد به منابع سیاسی مربوط به اطلاعات را فراهم می کند (گست و اوروسپا ، ۱۹۸۶: ۵۷۴-۵۵۰) . لیک و هاچفلد دریافتند که فعالیت های سیاسی، محصول تعاملات اجتماعی در داخل یک شبکه اجتماعی می باشد . آنها همچنین گزارش می دهند که تولید سرمایه سیاسی ، تابع سه امر مهم است: (۱) میزان تخصص سیاسی آن شبکه، (۲) فرکانس تعاملات سیاسی در داخل شبکه ، و (۳) اندازه یا گستردگی شبکه (لیک و هاچفلد ، ۱۹۹۸: ۵۸۴:۵۶۷) .

پسی و گینی نیز نشان می دهند که جذب فعالان و تأثیری که هر فرد به میزان سهم بالقوه خود در درون شبکه دارد بهترین پیش بینی کننده مشارکت سیاسی است. نگاهی به ماهیت و محتوای شبکه ها نشان می دهد باید به سه نکته اساسی در درون شبکه ها توجه کرد: (۱) ساختار ارتباط مشارکت کنندگان (۲) دیدگاه جمعی آنها در مورد یک مسئله اعتراضی و (۳) تصمیم به تبدیل شدن به مشارکت کننده سیاسی. دیدگاه فوق حاکی از آن است که شبکه های اجتماعی تعبیه شده در جامعه به طور قابل توجهی بر برداشت های افراد از مشارکت تاثیر می گذارد (پسی و گینی ، ۲۰۰۱: ۱۲۳-۱۵۳) .

نوک ، در نظر سنجی عمومی سال ۱۹۸۷، نشان می دهد که شبکه های اجتماعی خود محور می توانند ماهیت مشارکت در انتخابات ملی را پیش بینی کنند . او گزارش می دهد که در اغلب موارد مردم با دوستان خود در مورد مسائل سیاسی بحث می کنند ، که این امر علاقه و مشارکت آنها در مناقشات ملی و انتخاباتی را افزایش می دهد. نوک همچنین دریافت

که عضویت پاسخ دهندگان در دیگر شبکه ها دارای اثرات کمی هستند و اگر اعضای انجمن های داوطلبانه در مورد مسائل سیاسی بحث کنند احتمال بیشتری برای مشارکت در امور سازمانی و در جامعه محلی دارند (نوک ، ۱۹۹۰) . اسکوسمن و سول دریافتند هم که پاسخ به اعتراضات سیاسی قوی ترین پیش بینی کننده مشارکت سیاسی است. البته آنها همچنین معتقدند که ویژگی های فردی دیگر از قبیل علایق سیاسی و روابط اجتماعی پیش بینی کننده های مهمی در مشارکت سیاسی هستند (اسکوسمن و سول ، ۱۹۹۹: ۱۰۸۳-۱۱۰۸).

### اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی

رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی و یا ارتباط بین شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی به شکلی مستقیم نیست. اعتماد نه تنها به شکلی مستقیم بر روی انواع خاصی از مشارکت سیاسی اعمال نفوذ می کند، بلکه آن به طور غیر مستقیم نیز از طریق تسهیل انتقال منابع شبکه های اجتماعی و کمک به ایجاد هنجارهای روابط متقابل و تعهد مشترک در درون سازمان های داوطلبانه بر مشارکت سیاسی تاثیر می گذارد.

اوسلانر با توجه به رابطه بین اعتماد و شبکه های اجتماعی استدلال می کند که « اعتماد مشکلات افراد در مورد پیوند با دیگران را حل می کند». همچنین اعتماد اجتماعی ما را نسبت به افرادی که با آنها آشنا نیستیم پیوند می دهد (اوسلانر ، ۱۹۹۳: ۳). گروویر به طور خلاصه نقش اعتماد اجتماعی در تسهیل مشارکت سیاسی از طریق شبکه ها و انجمنهای داوطلبانه را اینگونه توضیح می دهد:

"اعتماد اجتماعی پدیده ای پنهان نیست و از تجربه های شخصی در دوستی ، و تجربه های افراد در زندگی مدنی پدیدار شده است . انجمن های مدنی ، فرهنگی و ورزشی ممکن است به گسترش شبکه های تعامل اجتماعی بیشتر بپردازند. انجمن های مدنی نه تنها ایجاد ارتباطات را آسان تر می سازند ؛ بلکه آنها با تسهیل انتقال اطلاعات مربوط به افراد معتمد سهم عظیمی در تقویت سرمایه اجتماعی دارند و این برای حوزه های سیاسی ، اقتصادی ، و اجتماعی ، یک منبع با ارزش است (گروویر ، ۱۹۹۷: ۱۵۳) ."

پژوهشگران به شواهد متفاوتی در مورد اثرات مستقیم اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی دست یافته اند . اوسلانر در مورد رابطه اعتماد و مشارکت سیاسی استدلال می کند که:

"از یک طرف، شرکت در سیستم سیاسی نشان دهنده اعتماد به دولت است. رای دادن و امضای طومار و نوشتن نامه به یک مقام دولتی، نشان دهنده اعتماد افراد به حکومت است؛ این که کسی وجود دارد و به حرف ها و مشکلات آنها گوش می دهد و به احتمال زیاد پاسخگو است از تاثیرات اعتماد است. از طرف دیگر، زندگی سیاسی نوعی مقابله است. مردم به احتمال زیاد زمانی در زندگی سیاسی دخالت می کنند که نتوانند به رهبران سیاسی، اعتماد کنند. وقتی افراد سرخورده می شوند، آنها بیشتر احتمال دارد به اقدام مستقیم در حوزه های سیاسی دست زند (اوسلانر ، ۲۰۰۲: ۱۹۳) ."

از سوی دیگر، سلگمان استدلال می‌کند که جامعه مدنی بدون اعتماد اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود و وجود اعتماد در جامعه امری بسیار حیاتی است. اعتماد اجتماعی نه تنها برای اداره بهتر جامعه مفید است، بلکه شکل خاصی از اعتماد تعمیم‌یافته - که ریشه در هنجارهای مدرنیته دارد - برای تشکیل جامعه مدنی لازم است. تلاش برای ایجاد جامعه متمدن بدون در نظر گرفتن اعتماد اجتماعی، یک تجربه پوچ است (سلگمان، ۱۹۹۷: ۶).

همچنین بر اساس دیدگاه‌های پوتنام، افرادی که اعتماد شهروندان را به خود جلب می‌کنند احتمالاً بیشتر، به موسسات خیریه کمک می‌کنند، در سیاست و سازمان‌های اجتماعی فعال‌ترند، بیشتر به تعهدات مالیاتی خود عمل می‌کنند، تحمل بیشتری در مقابل نظرات اقلیت‌ها دارند، و فضایل مدنی را بهتر نمایش می‌دهند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۷). همچنین، وینسترا نشان می‌دهد افرادی که در بسیاری از انجمن‌های ثانویه دارای میزان اعتماد اجتماعی بیشتری بودند، بیشتر از دیگران به پیشبرد منافع مشترک سیاسی علاقه‌مند بودند (وینسترا، ۲۰۰۲: ۴۷۲-۵۴۷).

### تعریف عملیاتی مفاهیم

**انجمن‌های داوطلبانه:** منظور از انجمن‌های داوطلبانه در این پژوهش همان انجمن‌های داوطلبانه غیر سیاسی است. این بعد شامل سه مقوله عضویت، فعالیت و موقعیت ساختاری فرد در انجمن‌های داوطلبانه محلی می‌شود. در اینجا، عضویت توسط تعداد عضویت افراد در سازمان‌های غیر سیاسی محلی اندازه‌گیری می‌شود. فعال‌گرایی از طریق عضویت فرد در سازمان‌های طرفدار اصلاحات و تغییرات محلی سنجش می‌شود. و سرانجام موقعیت، توسط جایگاه فرد در یک انجمن محلی اندازه‌گیری می‌شود.

انجمن‌های داوطلبانه به دلیل گرایش به توزیع افقی اختیارات، به نوعی تولید کننده سرمایه اجتماعی نیز می‌باشد (پوتنام، ۲۰۰۰). در نتیجه از این طریق علایق و تمایلات عمومی مردم سازماندهی شده و به طور جمعی در جهت نیل به اهداف عمومی عمل می‌کنند. در بسیاری از اوقات این اهداف عمومی باعث تحریک انگیزه مردم برای گسترش تعاملات می‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد انجمن‌های داوطلبانه غیر سیاسی از طریق تقویت سرمایه اجتماعی می‌توانند به حل مشکلات جمعی و گروهی کمک نمایند (پوتنام، ۱۹۹۳).

**اعتماد اجتماعی:** دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی است که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (شاه، ۱۹۹۸: ۴۹۴-۴۶۹). اعتماد اجتماعی دارای وجوه مختلفی می‌باشد که در این پژوهش اعتماد کلی، اعتماد به همسایگان، اعتماد به دوستان، و اعتماد متقابل به همکاران به عنوان مولفه‌های اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

**شبکه‌های اجتماعی:** شبکه‌هایی هستند که ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن پذیرش افراد بهبود می‌بخشند (گوئست و اروپسا، ۱۹۸۶: ۵۷۴-۵۵۰). در این قسمت به متغیرهایی همچون مشارکت در سطح محله، مشارکت در امور مذهبی، مشارکت سازماندهی شده، مشارکت در تفریح دسته‌جمعی، سنت‌های مدنی، عضویت در گروه‌های فرهنگی و الگوهای جدید مشارکت توجه می‌شود.

**رای‌دهی:** شاخصی است که میزان مشارکت افراد در انتخابات و دادن رای آنها را می‌سنجد. به نظر می‌رسد مشارکت در انتخابات و دادن رای به کاندیداها یا برنامه‌های آنها به دلیل وجود مجاری انتخابات عمومی در کشور مهمترین و برجسته‌ترین حالت مشارکت سیاسی در ایران است.

**فعالیت‌های انتخاباتی:** این شاخص در برگزیده کارهای تبلیغاتی و حمایت مالی از کاندیداها و یا احزاب و گروه‌های مختلف می‌باشد.

**تماس:** این شاخص به دنبال سنجش میزان تماس فرد با مقامات دولتی، نمایندگان مجلس، سازمان‌های سیاسی، رسانه‌های گروهی، گروه‌های منافع و غیره به منظور بیان دیدگاه‌های خود می‌باشد.

**اعتراض:** این شاخص رفتار فرد در زمینه مشارکت در اعتصابات یا تظاهرات‌های سیاسی و غیر قانونی را می‌سنجد.

**عضویت در گروه:** این شاخص عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌های رسمی سیاسی و همچنین گروه‌ها و محفل‌های خصوصی و شخصی سیاسی را مورد سنجش قرار می‌دهد.

## روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی روش پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد از تمامی رشته‌ها در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی در سال ۹۱-۱۳۹۰ بوده است. حجم نمونه ۲۸۸ نفر بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین شیوه که ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش ۲۸۸ پرسشنامه باقی ماند. هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد.

**ابزارهای سنجش** شامل ۲ پرسشنامه بود که عبارتند از:



**پرسش نامه محقق ساخته مشارکت سیاسی:** برای سنجش مشارکت سیاسی از پرسش نامه از نوع سنج لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه با بهره گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۲۲ سوال است. این پرسش نامه با استفاده از مدل مشارکت سیاسی تینگ چانگ (۲۰۰۹) برای سنجش مشارکت سیاسی در تایوان ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۲۲ سوال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر پسر و ۲۰ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضریب پایایی پرسشنامه پترسون بین ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ متغیر بوده است. در این پژوهش، نیز ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۵ درصد بوده است. مطالعات درباره اعتبار آزمون براساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی، نشان می دهد این پرسش نامه از روایی و پایایی بالایی سود می برد. این پرسشنامه به پنج سطح مشارکت در رای گیری ها، فعالیت های انتخاباتی، تماس با سیاستمداران، انجام فعالیت های اعتراضی و عضویت در گروه های سیاسی تقسیم گردید. این مقیاس یک ابزاری برای سنجش میزان مشارکت سیاسی افراد است که نمره گذاری هر سوال بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) می باشد.

**پرسشنامه سرمایه اجتماعی:** این پرسشنامه شامل سوالاتی در مورد ابعاد اعتماد اجتماعی، انجمن های داوطلبانه و شبکه های اجتماعی بود. این ابعاد بر اساس نظریه های موجود در مورد سرمایه اجتماعی استخراج شده و برای شاخص ها سوالاتی طرح شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش های متعددی به وسیله ۵ نفر متشکل از استادان علوم سیاسی و اجتماعی (بامرتبه علمی حداقل استادیار) طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۳۶ سوال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (دانشجوی دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد اعتماد اجتماعی (۴ سوال)، انجمن های داوطلبانه (۱۴ سوال) و شبکه های اجتماعی (۱۱ سوال) به ترتیب برابر ۰/۷۵، ۰/۶۸ و ۰/۷۱، و برای کل پرسشنامه (۳۶ سوال) ۰/۷۷ به دست آمد. در مرحله مطالعه مقدماتی یافته ها نشان داد نیاز به حذف هیچ یک از گویه ها نیست. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی افراد است که نمره گذاری هر سوال بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) می باشد.

## یافته های پژوهش

ابتدا یافته های توصیفی ارائه می شود و در ادامه مدل برازش خواهد شد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان را در ابعاد مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
رای دادن	۴/۰۳	۱/۶۶	شبکه	۱۳/۶۷	۲/۰۴
فعالیت انتخاباتی	۱۸/۶۷	۳/۳۷	اعتماد	۲۹/۶۷	۳/۶۷
تماس	۱۷/۰۶	۳/۰۹	انجمن ها	۳۴/۰۹	۴/۲۶
اعتراض	۳/۰۱	۰/۶۸	مجموع	۲۵/۸۷	۲/۲۵
عضویت در گروه	۲/۱۶	۰/۷۳			
نمره کل مشارکت سیاسی	۴۴/۹۳	۹/۶۷			

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

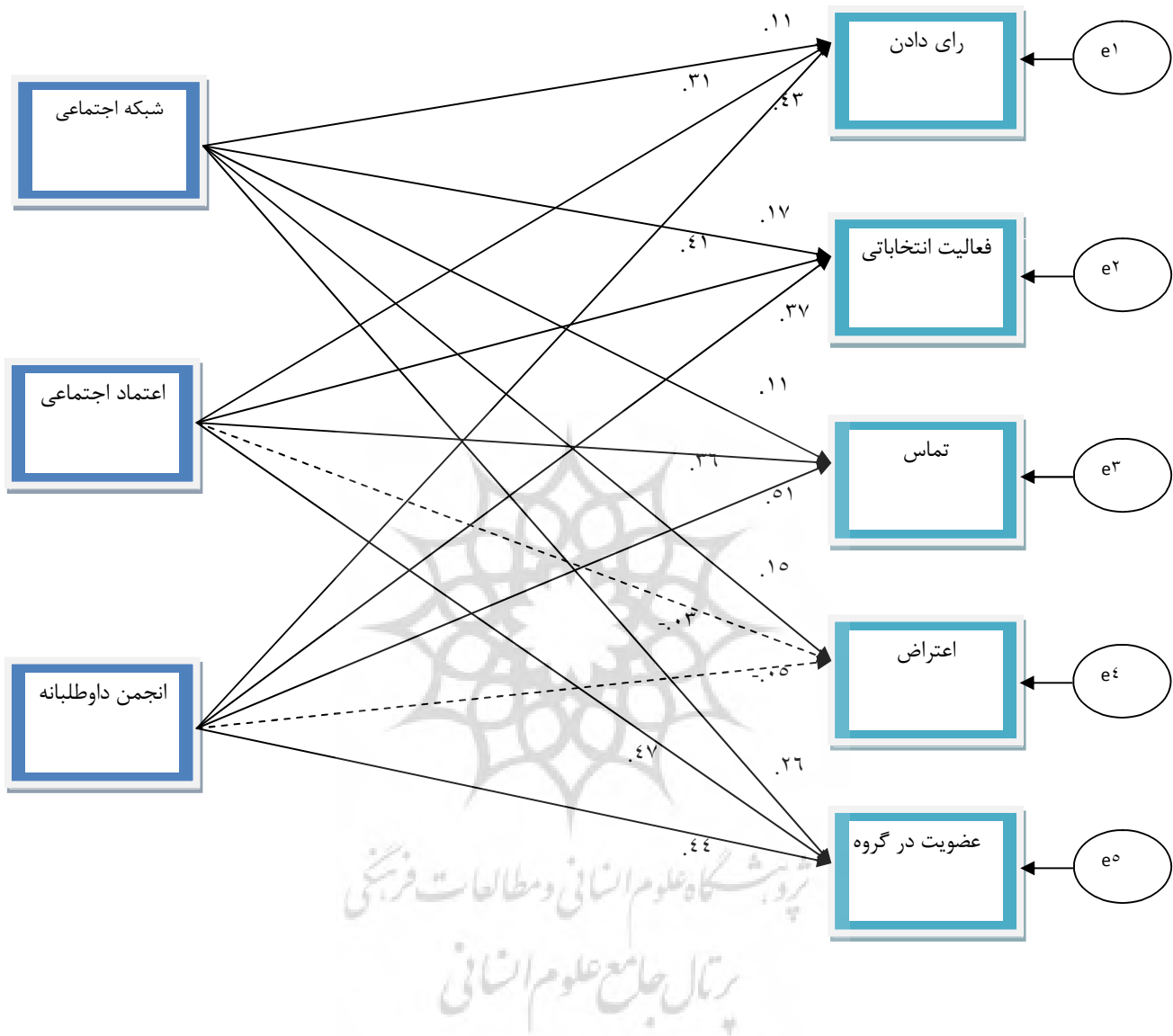
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. شاخص های برازش مدل مسیر

RMSEA	CFI	TLI	GFI	AGFI	$\chi^2$	df	$\chi^2/df$
۰/۰۴۹	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۲	۳۳/۲۴	۱۲	۲/۷۷

جدول ۲ شاخص های برازش مدل مسیر را نشان می دهد. همانگونه که مشاهده می شود شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) بالاتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه میانگین مجذورات خطاهای برآورد زیر ۰/۰۵ به دست آمده است که در مجموع نشان می دهد مدل با داده ها انطباق قابل قبولی دارد و قابل پذیرش است

شکل ۱: مدل مسیر تبیین مشارکت سیاسی بر اساس سرمایه اجتماعی



شکل ۱ مدل مسیر تبیین مشارکت سیاسی بر اساس سرمایه اجتماعی را نشان می دهد. همانگونه که در شکل مشاهده می شود وزن رگرسیون اعتماد و داوطلبگرایی بر مشارکت اعتراضی معنی دار نیست که با نقطه چین مشخص شده است.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد

متغیرهای وابسته			پارامترها	متغیرهای پیش بینی کننده	
			داوطلبانه	اعتماد	شبکه های اجتماعی
رای دادن	ضرایب استاندارد	۰/۱۱	۰/۳۱	۰/۴۳	
	ضرایب غیر استاندارد	۰/۱۷	۰/۵۸	۰/۴۶	
	نسبت بحرانی	۹/۴۷**	۲۹/۱۳**	۳۶/۰۸**	
فعالیت انتخاباتی	ضرایب استاندارد	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۳۷	
	ضرایب غیر استاندارد	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۶۱	
	نسبت بحرانی	۱۶/۰۱**	۳۳/۷۱**	۳۴/۹۶**	
تماس	ضرایب استاندارد	۰/۱۱	۰/۳۶	۰/۵۱	
	ضرایب غیر استاندارد	۰/۲۳	۰/۲۹	۰/۷۱	
	نسبت بحرانی	۶/۳۹**	۳۱/۲۲**	۳۹/۴۱**	
اعتراض	ضرایب استاندارد	۰/۱۵	-۰/۰۳	-۰/۰۵	
	ضرایب غیر استاندارد	۰/۳۷	-۰/۲۱	-۰/۱۹	
	نسبت بحرانی	۹/۸۱**	-۱/۰۲	-۱/۱۳	
عضویت در گروه	ضرایب استاندارد	۰/۲۶	۰/۴۷	۰/۴۴	
	ضرایب غیر استاندارد	۰/۴۹	۰/۳۴	۰/۶۳	
	نسبت بحرانی	۲۲/۹۹**	۴۰/۳۷**	۳۷/۱۰**	

\*  $p < .05$

\*\*  $p < .01$

جدول ۳ ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد مدل مسیر را برای تبیین مشارکت سیاسی بر اساس سرمایه اجتماعی نشان می دهد. همانگونه که مشاهده می شود انجمن های داوطلبانه بالاترین وزن رگرسیون استاندارد را بر ارتباط و رای دادن دارد. اعتماد اجتماعی بالاترین وزن رگرسیون را برای تبیین مبارزه فعال و اعضای گروه نشان داده است. شبکه های اجتماعی بیشترین وزن رگرسیون استاندارد را بر اعتراض نشان داده است. تاثیر انجمن های داوطلبانه و اعتماد اجتماعی بر اعتراض، منفی ولی غیر معنی دار است ( $p > .05$ ). سایر وزن های رگرسیون نیز مثبت و معنی دار است ( $p < .01$ ).

## بحث و نتیجه گیری

موضوع مشارکت سیاسی زنان، لزوم توجه به عوامل مرتبط با آن را ضروری می سازد. پرسش اساسی این پژوهش این بود که آیا رابطه ای میان سرمایه اجتماعی زنان و مشارکت سیاسی این قشر وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به سؤال پژوهش و با توجه به نظریه های پوتنام و دو توکویل چنین فرض شد که بین زنان نیز در برخورداری از سرمایه ی کلی و در نتیجه جایگاه ها و عادت واره ها، تفاوت های معناداری وجود دارد و این امر در میزان مشارکت سیاسی آنان نمود پیدا می کند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی زنان ارتباط معنی داری وجود دارد. هر چند ارتباط معنی داری بین متغیر اعتماد اجتماعی و متغیر انجمن های داوطلبانه بر مشارکت سیاسی اعتراضی، مشاهده نشد. یافته ها نشان داد که انجمن های داوطلبانه بیشترین همبستگی را با متغیرهای ارتباط و رای دادن دارد که این نتایج منطبق با یافته های مطالعه وربا و فونگ و پوتنام می باشد. سازمان های داوطلبانه به عنوان یکی از عرصه های مشارکت جدید در کشورهای در حال توسعه ، رو به رشد و گسترش می باشند. این سازمان ها سعی دارند تا با جلب مشارکت مردمی حضور مؤثری در اجتماع داشته و بتوانند تأثیر خود در روند رشد و توسعه را به اثبات برسانند. هر چند به نظر می رسد که در سطح کلی آگاهی و اطلاعات افراد از چگونگی فعالیت احزاب و سازمان های داوطلبانه بسیار پایین است، به طوری که درصد بسیار بالایی از افراد آگاهی و اطلاعی درباره چگونگی فعالیت احزاب و اکثریت افراد آگاهی درباره عضویت در سازمان های داوطلبانه نداشتند.

متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین ارتباط معنی داری را برای تبیین متغیرهای فعالیت داوطلبانه و اعضای گروه نشان داده است. این نتایج مطابق با یافته های سلگمان و پوتنام می باشد. یعنی در جامعه ایران زمانی که اعتماد اجتماعی زنان بالاتر باشد مشارکت آنان در فعالیت های گروهی و فعالیت های انتخاباتی افزایش می یابد. در واقع می توان گفت: اعتماد به عنوان پلی بین آگاهی و مشارکت زنان عمل می کند. به عبارت دیگر مشارکت برآیندی از آگاهی و اعتماد است و تنها زمانی می توان ادعا کرد که سرمایه اجتماعی موجودیت واقعی یافته است که سرمایه اجتماعی از حالت ذهنی (آگاهی و اعتماد) یا به عبارت دیگر از حالت بالقوه به سرمایه اجتماعی بالفعل درآید و خود را در قالب رفتارهای مشارکت جویانه نشان دهد. طبق نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی زمانی که افراد از حوزه فردی خود خارج شده و وارد اجتماع بزرگتری می شوند، روابط بیشتری را با سایر افراد برقرار می سازند؛ این روابط زمانی قوت بیشتری خواهند گرفت که بین ایجادکنندگان آن ، اعتماد وجود داشته باشد که این اعتماد سبب می شود که افراد رابطه نزدیکتری با یکدیگر برقرار سازند، از سوی دیگر ایجاد روابط و برقراری اعتماد به هنجارهایی بستگی دارد که میان افراد بوجود می آید. این هنجارها سبب می شود تا افراد بتوانند به پیش بینی رفتار متقابل دست بزنند. افراد برای برقراری روابط بیشتر با دیگران باید در گروه های مشارکتی حاضر شده و با دیگران کنش متقابل داشته باشند. بنابراین این امر نیازمند مشارکت آنان در عرصه های اجتماع می باشد.

متغیر شبکه اجتماعی بیشترین وزن رگرسیون استاندارد را بر اعتراض نشان داده است. این نتایج با یافته های لک و هوکفلد همسو می باشد. سرمایه اجتماعی گنجینه ای از منابع و شبکه های اجتماعی را برای تسهیل مشارکت سیاسی فراهم می کند. زمانی که سرمایه اجتماعی به آسانی در دسترس باشد، بدون توجه به نوع اجتماع، می توان صف های مشارکت سیاسی (یعنی آموزش، اشتغال، مهارت های مدنی و غیره) را بر هم زد. شبکه های اجتماعی می توانند فعالیت های اعتراض آمیز را سازماندهی کرده و در اطلاع رسانی روند رویدادها نقش آفرینی کنند. طبیعت اغلب غیر رسمی سرمایه اجتماعی زنان به آنها اجازه می دهد تا بدون تطبیق با استانداردهای مردانه، محیط های غیر سیاسی را سیاسی کنند و بنابراین چنین فعالیت هایی را مخفی نگه دارند. شبکه های اجتماعی باعث می شود که احتمال مشارکت زنان در امور سیاسی و جنبش های اجتماعی نسبت به محافل سنتی بیشتر باشد.

در مجموع رابطه ی سرمایه اجتماعی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی معنی دار است. نتایج فوق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی زنان که حکایت از منابع موجود در گروه های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه ی روابط اجتماعی دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت های سیاسی مؤثر است. نتایج حاکی از این پژوهش نشان می دهد هر اندازه افراد در این ساختار دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، به این معنا که این سرمایه اجتماعی شامل مجموعه ای ارزشمند از اعتماد متقابل بین افراد، وجود شبکه های خویشاوندی و تعاملات اجتماعی و سازمان های داوطلبانه باشد، فعالیت های انتخاباتی، ارتباطات سیاسی و عضویت در گروه های سیاسی افراد بیشتر خواهد بود. به این ترتیب مشارکت و سرمایه اجتماعی ارتباط دوسویه و متقابلی دارند و افزایش هر یک موجب بالا رفتن سطح دیگری در جامعه خواهد شد.

نکته ی قابل توجه در یافته های این پژوهش مشاهده ی همبستگی منفی میان ابعاد اعتماد اجتماعی و متغیر انجمن های داوطلبانه با مشارکت سیاسی اعتراضی می باشد؛ اگر چه زنان پاسخ گو در عمل مشارکت سیاسی اعتراضی داشته اند. این همبستگی منفی را می توان به دلایلی مانند: بی اعتمادی به انجمن های اجتماعی، اجبارهای اجتماعی و یا دیگر عوامل مرتبط دانست. بر این اساس می توان گفت هرچند که زنان پاسخ گو در عمل مشارکت سیاسی داشته اند، عدم دستیابی آنان به نتایج مورد انتظار از مشارکت سیاسی بر نگرش آنان تأثیر منفی می گذارد و هم چنین افرادی که سرمایه ی اجتماعی بیشتری داشته اند، انتظارات بیشتری از مشارکت سیاسی داشته اند، که به دلیل عدم برآورده شدن این انتظارات، نگرش بی اعتمادی اجتماعی نسبت به مشارکت سیاسی پیدا کرده اند.

در کشورهایی مانند ایران که زنان مشارکت را ضروری می دانند، اما معتقدند زمینه مناسبی برای اجرایی شدن آن وجود ندارد، می توان امید داشت که با اصلاح زیرساخت ها، فرهنگ سازی و رفع مشکلات معیشتی، مشارکت مردمی و به دنبال آن سطح سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد که خود موجب افزایش کار آمدی، کاهش تصدی گری، تمرکززدایی، رفع تعارضات ساختاری و افزایش پاسخگویی خواهد شد.

در مجموع به نظر می‌رسد که با تضعیف ساختار پدرسالارانه‌ی حاکم بر جامعه و محرومیت‌هایی که در گذشته بر سر راه روابط اجتماعی زنان وجود داشت، امکان حضور بیشتر آنان در جامعه فراهم شده است. داشتن حق رأی، وجود نمایندگان زن در پارلمان، گسترش بیش از پیش تشکل‌های غیر دولتی مختص مسائل زنان و حضور بیشتر در محیط‌هایی چون دانشگاه، این فرصت را به زنان می‌دهد تا با افراد بیشتری ارتباط داشته و از حمایت آن‌ها نیز برخوردار باشند. هم‌چنین محرومیت‌های اعمال شده بر زنان و تضييع حقوق ایشان با ساختارهای پدرسالارانه، در عین شکل‌گیری اندیشه‌ها و جنبش‌های فمینیستی، باعث گردید تا تلاش آنان برای کسب حقوق بیشتر و اعتراض به تبعیض جنسیتی با عمل سیاسی گره بخورد. یکی از عرصه‌های حضور زنان در جامعه که به معیاری برای قضاوت درباره‌ی حاکمیت مردم‌سالاری تبدیل شده است، عرصه‌ی سیاست است. مشارکت بیشتر زنان در جامعه موجب بالندگی و تسهیل توسعه کشور می‌شود، به تقویت هبستگی ملی زنان کمک می‌کند و از یک نوع از خود بیگانگی و جدا دانستن زنان از جامعه جلوگیری به عمل آورده است و فرد خود را جزئی از جامعه دانسته و در جهت توسعه آن تلاش می‌کند در نتیجه برای بهبود شاخص‌های توسعه تلاش بیشتری نموده و منابع ملی را در جهت این پیشرفت بسیج می‌نماید.



Ayala , L. G. , ( ٢٠٠٠ ) , “ Trained for Democracy: The Differing Effects of Voluntary and nvoluntary Organizations on Political Participations” , **Political Research Quarterly** , vol (٥٣) pp:٩٩-١١٥.

De Toqueville, A. ,(١٩٦٩) , **Democracy in America**, New York.

Fung, A. ( ٢٠٠٣ ) , “ Associations and Democracy: Between Theories, Hopes, and Realities.” **Annual Review of Sociology** , vol( ٢٩ ) , pp :٥١٥-٥٣٩.

Grovier, T. ( ١٩٩٧ ) , **Social Trust and Human Communities** , Montreal & Kingston McGill Queen's University Press .

Guest, A.M. , Oropesa, R. S. ( ١٩٨٦ ) , “Informal social ties and political activity in themetropolis” , **Urban Affairs Quarterly**, Vol( ٢١ ) , pp:٥٥٠-٥٧٤ .

Knoke, D. (١٩٩٠) , **Organizing for Collective Action: The Political Economies of Associations** , Hawthorne NY: Aldine de Gruyter.

Kotler , Berkowitz, L. ( ٢٠٠٥ ) , “ Friends and Politics: Linking Diverse Friendship Networks to Political Participation” , Pp: ١٥٢-١٧٠ in *The Social Logic of Politics*, edited by A. S. Zuckerman , **Philadelphia: Temple University Press**.

Lake , R., Huckfeldt, R. ( ١٩٩٨ ) , “ Social Networks, Social Capital, and Political Participation Political Psychology” , vol( ١٩ ) , pp: ٥٦٧-٥٨٤ .

LeRoux , K. ,( ٢٠٠٧ ) , “Nonprofi ts as Civic Intermediaries: the Role of Community Based Organizations in Promoting Political Participation” , **Urban Affairs Review** , vol (٤٢) , pp: ٤١٠-٤٢٢.

Levine, J. ( ٢٠٠٥ ) , “ Choosing Alone? The social network basis of modern political choice.” Pp: ١٣٢-١٥١ in *The Social Logic of Politics: Personal networks as contexts for political behavior*, edited by A. S. Zuckerman. Philadelphia: **Temple University Press**.

Passy, F. ,Giugni , M. ( ٢٠٠١ ) , “ Social Networks and Individual Perceptions: Explaining Differential Participation in Social Movements .” , **Sociological Forum** , vol( ١٦ ) , pp :١٢٢-١٥٣.

Putnam, R. D. ( ١٩٩٣ ) , **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy** , Princeton: Princeton University Press .



Putnam, R.D. ( ٢٠٠٠ ) , **Bowling Alone: The collapse and revival of American Community** , New York: Simon & Schuster .

Schussman, A. , A Soule , S. ( ٢٠٠٥ ) , “ Process and Protest: Accounting for Individual Protest Participation.” , **Social Forces**, vol( ٨٤ ) , pp :١٠٨٣-١١٠٨.

Seligman, A. B. ( ١٩٩٧ ) , **The Problem of Trust**, Princeton: Princeton University Press.

Shah, D. V. ( ١٩٩٨ ) , “Civic engagement, interpersonal trust, and TV use: An individual level assessment of social capital”, **Political Psychology** , Vol( ١٩ ) , pp :٤٦٩-٤٩٤.

Shove, E., Walker, G. ( ٢٠٠٧ ) , “ Caution Transitions ahead: politics, practice, and sustainable transition management” , **Environment and Planning** , vol( ٣٩ ) , pp:٧٦٣-٧٧٠ .

Smith , E. S., (١٩٩٩), “ The effects of investments in the social capital of youth on political and civic behavior in young adulthood: A longitudinal analysis” , **Political Psychology**,vol( ٢٠ ) , pp: ٥٥٣-٥٨٠.

Ulzurun, D. , ( ٢٠٠٢ ) , “ Associational Membership and Social Capital in Comparative Perspective: A Note on the Problems of Measurement” , **Politics & Society** , vol ( ٣٠ ) ,pp: ٤٩٧-٥٢٣.

Uslaner, E. ( ١٩٩٣ ) , **The Decline of Comity in Congress**, Ann Arbor: University of Michigan Press .

Uslaner, E. ( ٢٠٠٢ ) , **The Moral Foundations of Trust** , Cambridge: Cambridge University Press .

Veenstra, G. ( ٢٠٠٢ ) , “ Explicating Social Capital: Trust and Participation in the Civil Space” , **Canadian Journal of Sociology / Cahiers canadiens de sociologie** , vol( ٣٧ ) , pp :٥٤٧-٥٧٢ .

Verba. S. ,Scholozman, K. L. , Brady, H. , Nie, N. H. ( ١٩٩٣ ) , “Race, Ethnicity, and Political esources: Participation in the United States,” **British Journal of Political Science**, vol( ٢٣ ) , pp: ٤٥٣-٤٩٧.

Verba, S., Scholozman, K. L., & Brady, H. E. ( ١٩٩٥ ) , **Voice and equality: Civic voluntarism in American politics**, Cambridge, MA: Harvard University Press.